

MARVEL

18

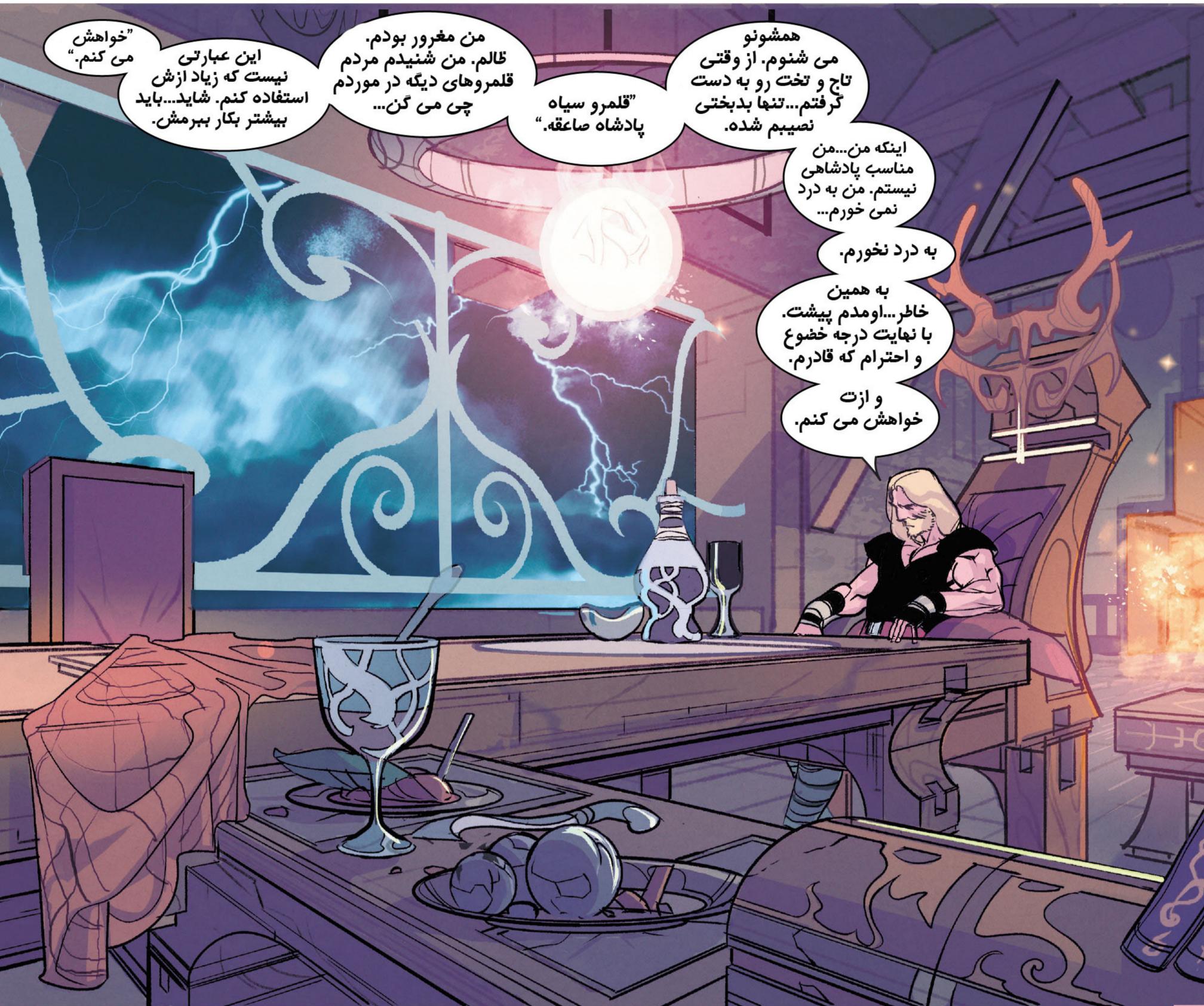
LGY#744

CATES  
FERRY  
QUINN  
WILSON

# TOR



دورنام  
dornname.ir



"خواهش می‌کنم."

این عبارتی نیست که زیاد از شما استفاده کنم. شاید... باید بیشتر بکار ببرمش.

من مغرور بودم. ظالم. من شنیدم مردم قلمروهای دیگه در مورد من چی می‌گن...

"قلمرو سیاه پادشاه صاعقه."

همشونو می‌شنوم. از وقتی تاج و تخت رو به دست گرفتم... تنها بدبختی نصیب شده.

اینکه من... من مناسب پادشاهی نیستم. من به درد نمی‌خورم...

به درد نخورم.

به همین خاطر... اوادم پیشت. با نهایت درجه خضوع و احترام که قادرم.

و ازت خواهش می‌کنم.



میولنیر رو دزدیدند.

منی دونم کی اونو دزدیده. یا چی. جلوی چشم انتقام جویان دزدیده شده.

حتی نگاه خیره ابدی سیف هم نمی‌تونه پیداش کنه.

می‌ترسم کم شده باشه. می‌ترسم دست موجود پلیدی افتاده باشه.

ولی من... نمی‌تونم. به عنوان پادشاه نمی‌تونم اجازه بدم این اخبار از این تالار بره بیرون.

منی تونم اجازه بدم مردم قلمرو من و قلمروهای تحت فرمانم فکر کنند...

ضعف دارم.

پس... یه بار دیگه... ازت می‌پرسم. خواهش می‌کنم...

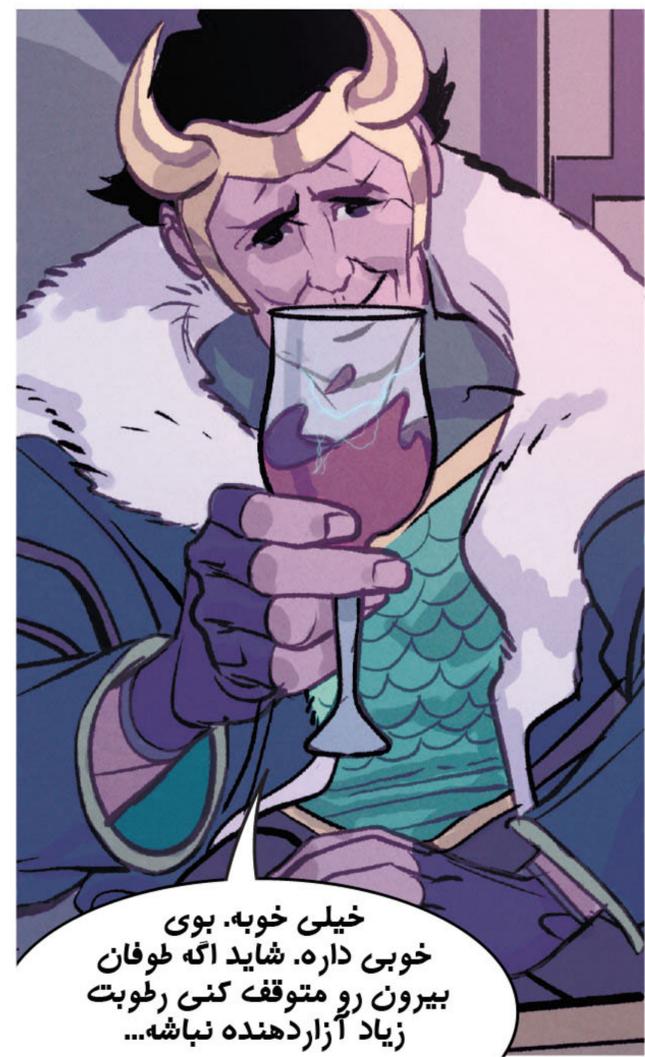
کمکم می‌کنی؟ کمک می‌کنی میولنیر رو پیدا کنم؟



مممم...



چی...  
این چیه  
دیگه؟ قرمز  
میدگاردی؟



خیلی خوبه. بوی  
خوبی داره. شاید اگه طوفان  
بیرون رو متوقف کنی رطوبت  
زیاد آزاردهنده نباشه...



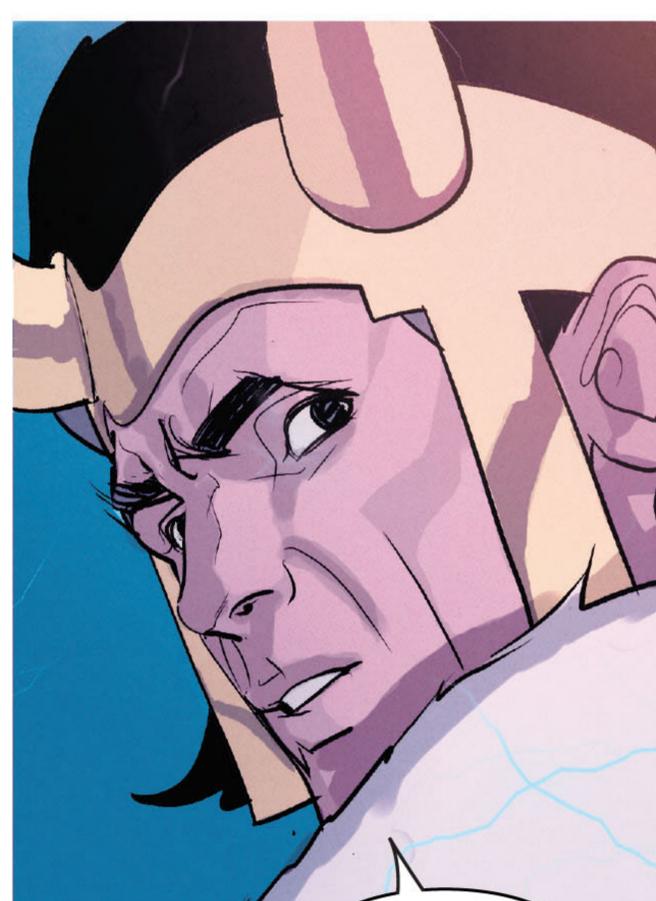
لوکی...



مممم؟  
آره.



این کاری که  
درباره میولنیر  
گفتی.  
خوب؟



اصلاً حرفشو نزن.



چی؟  
برادر... من  
من دارم ازت  
درخواست...

درخواست  
زیادی می کنی.  
بازم...

...دارم ازت  
درخواست کمک  
می کنم!



آره. و اگه  
یادت باشه، آخرین  
باری که کمکت کردم،  
چیزی نمونده بود دوستت  
دکتر خوب منو از وسط  
نصف کنه. ❄️

فکر کنم  
چشمه لطف  
من خشک  
شده.

❄️ ثور (۲۰۲۰) شماره های ۹-۱۴



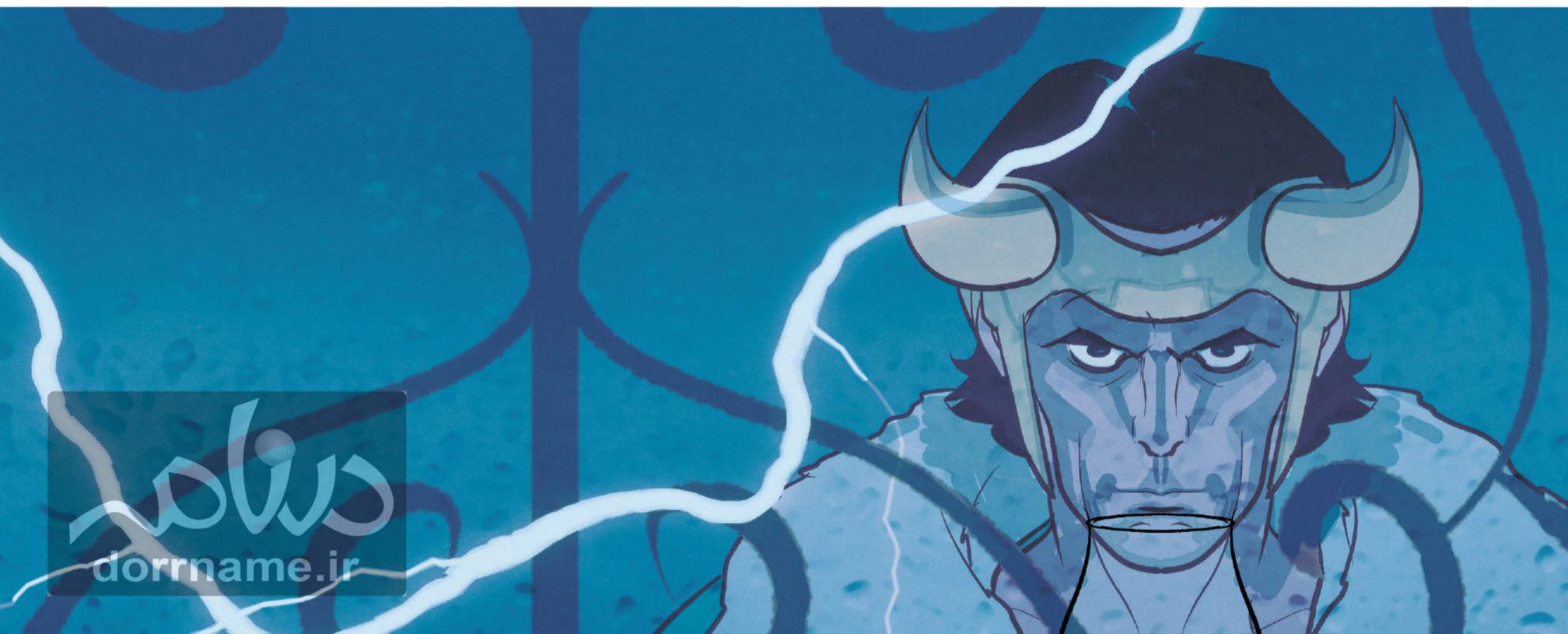
این... این  
فرق می کنه. من  
دیگه از زیر مسئولیتیم  
به عنوان پادشاه شونه  
خالی نمی کنم.

به همین  
دلیله که اومدم سراغ  
تو. نمی تونم ازگارد  
رو رها کنم. من باید  
اینجا باشم.

لوکی...



...تو تنها  
کسی هستی که  
می تونم بهش اعتماد  
کنم...





ثور...

...یه زمانی بود که برای شنیدم این کلمات حاضر بودم تمام کهکشان ها رو نابود کنم.



ولی متأسفانه این قضیه مربوط به خیلی وقت پیشه.



و این یه دروغه.

نه، لوکی، راستشو بگویم... میولنیر...

اون نه.



تو متحدانی داری که می تونی بهشون اعتماد کنی.

کاپیتان آمریکا، بتاری بیل، سیف، مادر.

هر کدام از جنگجویان تو در آزرگارد با کمال میل بخاطر پادشاهشون و تحت هر شرایطی جانشونو کف دستشون می گیرند.



پس... لطفاً اینو از من نخواه. تو به یه متحد مورد اعتماد نیاز نداری.



تو یه جاسوس می خواهی.



و من  
از این بازی  
خارجم.  
من الان  
خودم پادشاهم  
برادر.



و به  
عنوان پادشاه  
ژوتنچایم اولویت من  
به قلمرو خودم  
محدوده.  
تو هم باید  
همین کارو بکنی.



یعنی،  
راستش، خیلی  
مسخره است ثورا! چه  
انتظاری داشتی؟ من  
مشهورم! نمی تونم  
جاسوس باشم...



اونی که  
لازم داری چیزیه که  
بدون جلب توجه بتونه  
نفوذ کنه. با این همه زمزمه هایی  
که الان همه جا رو  
پر کردند...



...صبر کن.

نه.

صبر کن.  
آره.

آره، این  
ممکنه...



لعنتی،  
خوب بازی  
کردی.

یه نوشیدنی  
برام بریز. دارم  
نقشه می کشم.

و در اعماق مرداب پوشیده از  
کود و گرم حشره زده میدگارد...

...در قلمرویی که به  
نام فوراور کلید شناخته  
می شود...

...در میان صدای برنده  
چیرچیر که ها که در برابر قور قور  
وزغ ها ذوب می شود...

...و صدای طبل وار دار کوب  
تاج دار بزرگ...

...و فریادهای طر قه ها...

...که برای ما شبکه ای درهم  
تنیده از اصوات نابینجار است.

ولی در اینجا تمام صداها  
یکه داستان را بازگو  
می کنند...

"...شکوه، شکوه..."

”پادشاه به خانه  
برگشته.“



دوستان ریز  
و درشت من، متشکرم!

سفری  
دشوار برای  
بازگشت به شما  
داشتم!



بی شک  
داستان های نبرد  
آزگارد در برابر فرد متظاهری  
بنام دونالد بلیک به گوشنتان  
رسیده...



...یا داستان پادشاه لاک جاو که پشت به پشت هم در میان دنیای ستارگان در برابر سایه آژگارد جنگیدیم!

خوب، من اینجا هستم تا واقعیت اون داستان های خیالی رو برای شما بگم...



و حقیقت اینه که...

CRICKET  
CRICKET



...بلیک الان طعم او رو رو چشیده!!!



و پادشاهی ما باری دیگه بی خطر!!!



و ما هرگز دنبال چیزی که...

که تو نوزده جهنم باشه نیستیم...؟





“لطفاً.”

کلمه ای نیست  
که زیاد ازش استفاده  
کنم.



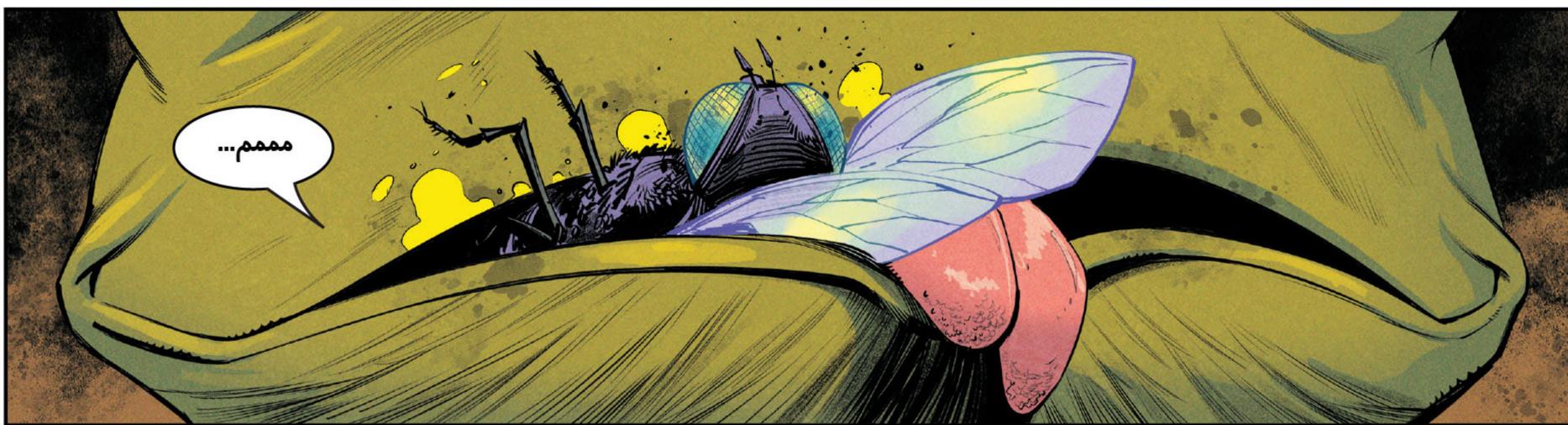
شاید... شاید  
بیشتر باید ازش  
استفاده  
کنم.



من... آآخ!  
من مغرور بودم.  
من...



PONA



مممم...

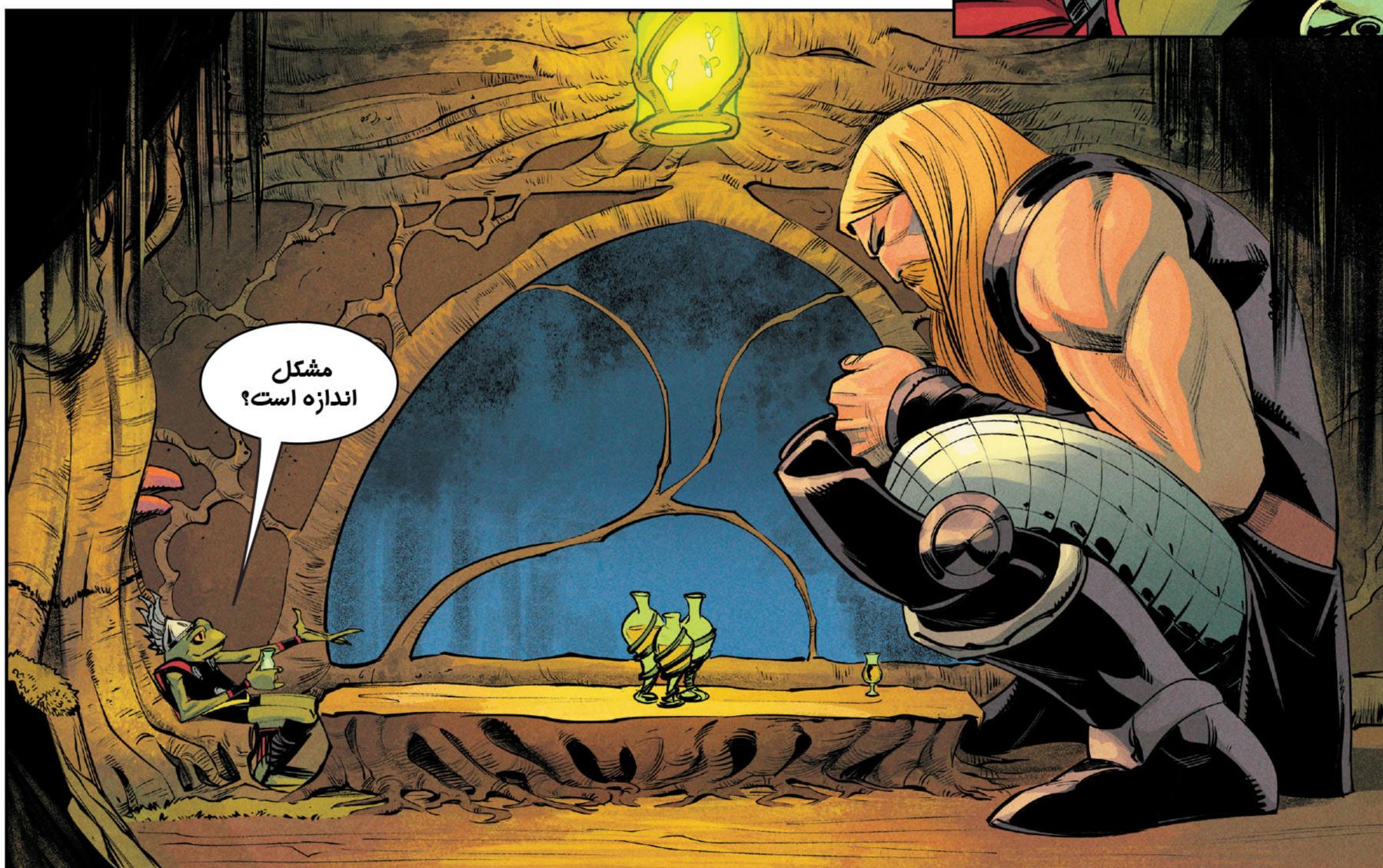


ثور.

می بخشی  
حرفتو قطع کردم.  
ولی لازم نیست ادامه  
بدی.



میولنیر  
دزدیده  
شده.  
ازم  
می خواهی  
برات پیداش  
کنم.



مشکل  
اندازه است؟



"اولاً باید دسترسی بی قید و شرط به ده قلمرو داشته باشم."

"اگه قراره من این کارو به درستی انجام بدم، زیر همه سنگ ها باید گشته بشه."

"هاگین و مانین کارشونو خوب انجام می دن."

"اونها ما رو از زمین های رد می کنند که جرأت شناختشون رو هم نداریم."

"درسته از معامله با کلاغ ها وحشت دارم..."

"...ولی زمان عنصر مهمیه."

"از اونجا  
به بعد..."

"کسی با..."

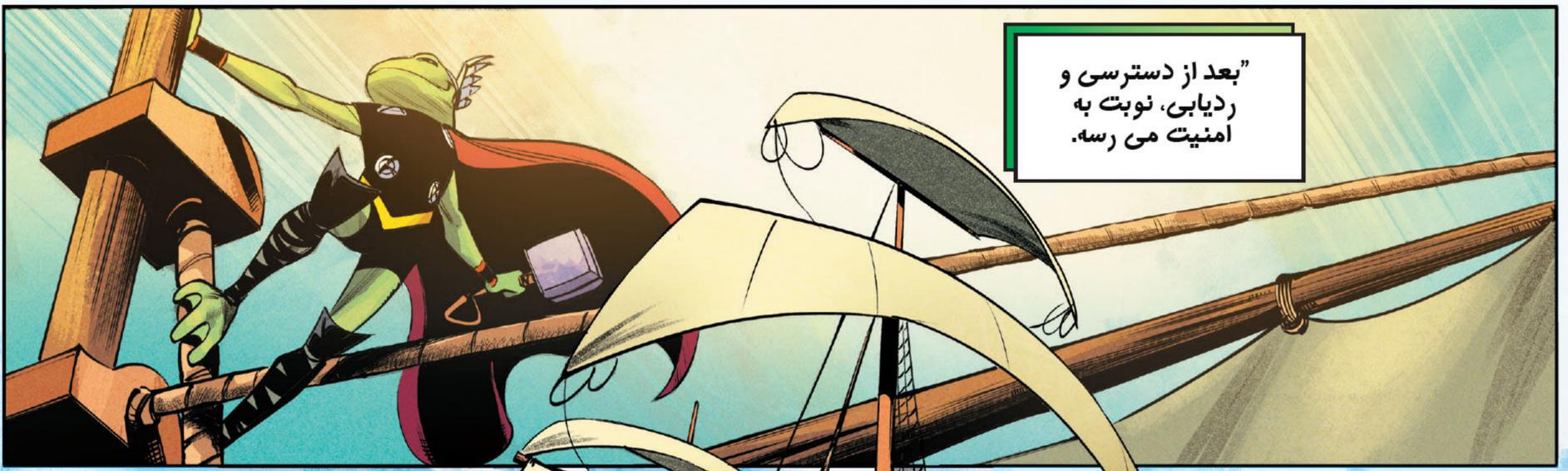
"...شامه قوی ب  
برای این چیزها.

"به یه ردیاب نیاز  
دارم.

"خوشبختانه، من یه سگ  
ردیاب خوب می شناسم.

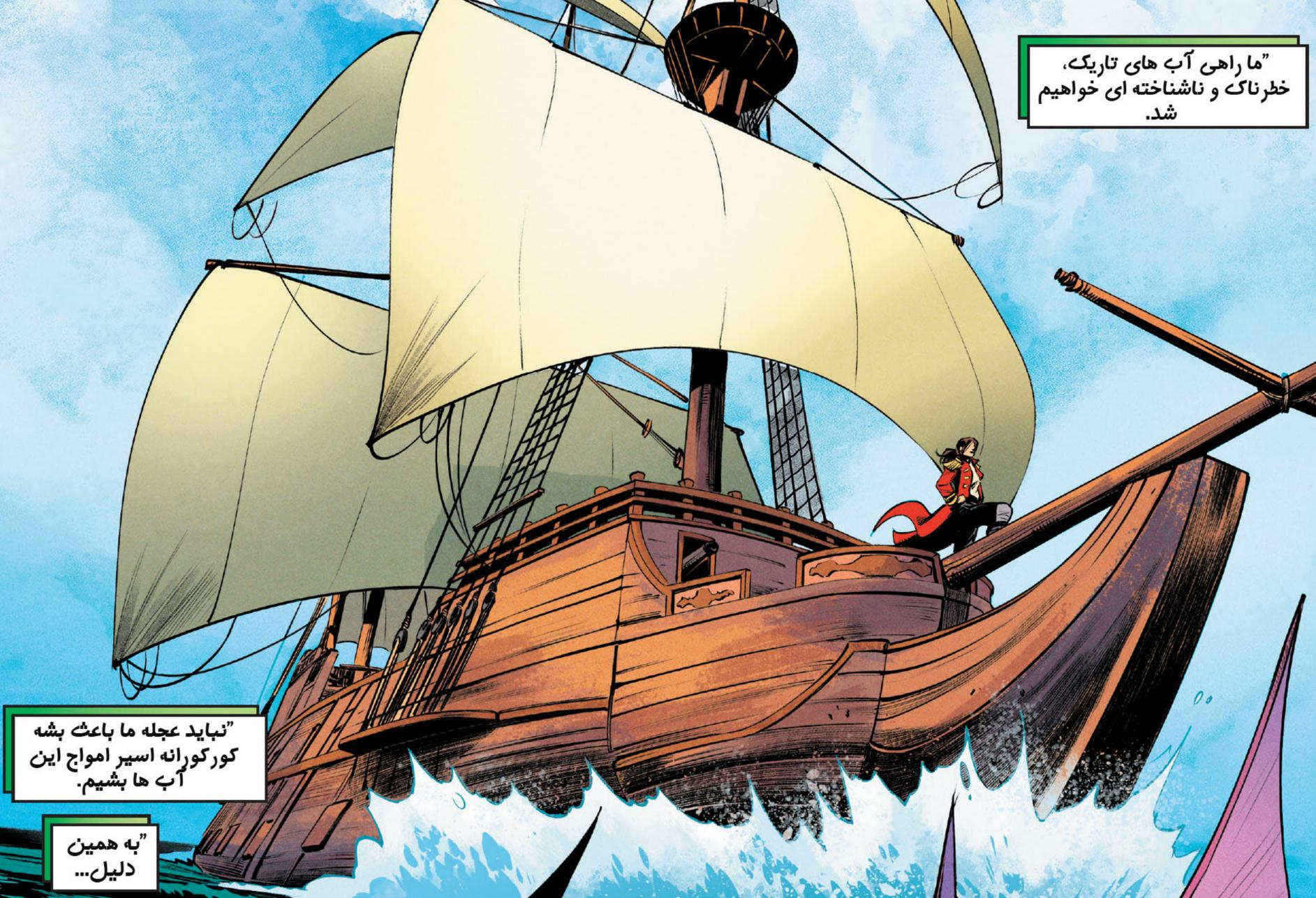
لاک جاو.  
بیدارشو رفیق  
قدیمی...

...ماجراجویی در  
پیشه.



”بعد از دسترسی و ردیابی، نوبت به امنیت می‌رسد.“

”ما راهی آب‌های تاریک، خطرناک و ناشناخته‌ای خواهیم شد.“

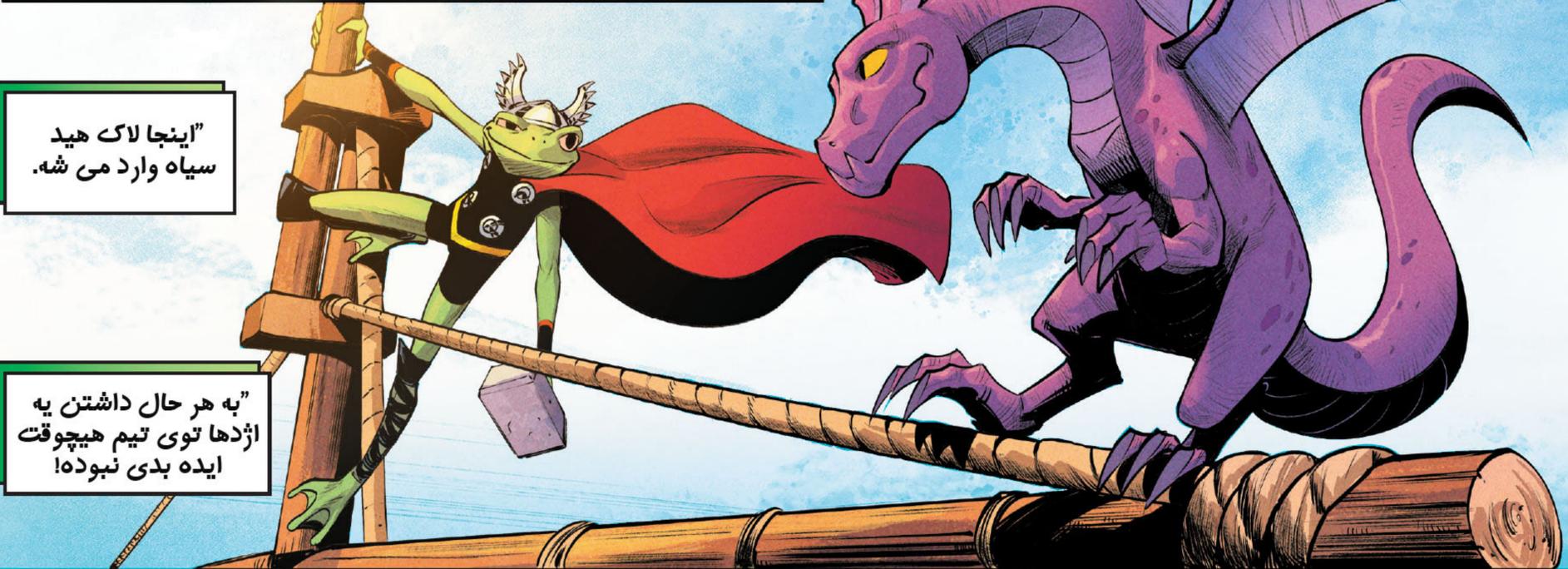


”نباید عجله ما باعث بشه کورکورانه اسیر امواج این آب‌ها بشیم.“

”به همین دلیل...“



”...به یک نیروی گشت نیاز داریم.“



”اینجا لاک هید سیاه وارد می‌شه.“

”به هر حال داشتن یه اژدها توی تیم هیچوقت ایده بدی نبوده!“



”و در  
نهایت...“

”با توجه به اینکه هر کسی که  
مسئول دزدیده شدن میولنیره،  
تونسته اونو از چشمان سیف  
پنهان کنه...“



”...باید بگم این کار  
ماهیت ماورا، الطبیعه  
داره.“

”پس، باید کسی  
توی تیم باشه که  
به هنرهای سیاه  
آشنایی داشته  
باشه.“



”من همچین کسی  
رو در نظر دارم.“

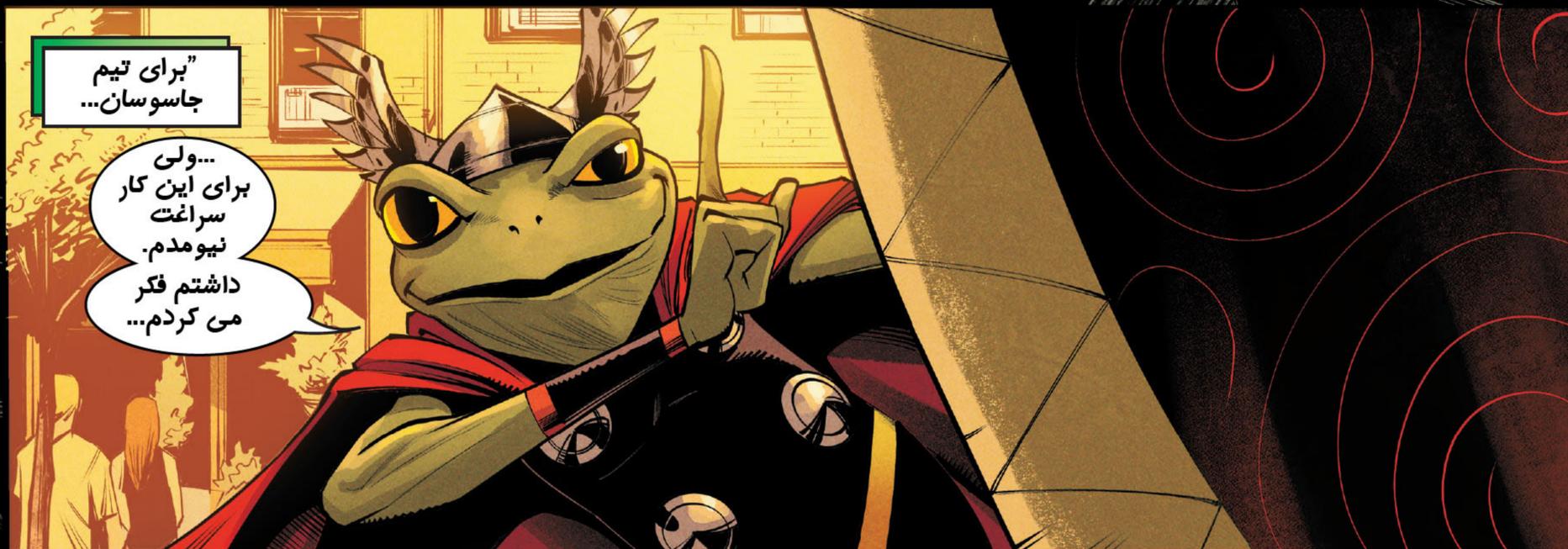
ثراک؟  
چه سورپرایز  
نیکی...“



”اگرچه هنوز این نیروها در  
میدان نبرد آزموده نشدند...“

چطور می تونم  
کمکت کنم؟  
مشکلی پیش  
اومده؟ یا...؟

متأسفم استیفن...“



”برای تیم  
جاسوسان...“

ولی...  
برای این کار  
سراغت  
نیومدم.  
داشتم فکر  
می کردم...“



”...کی می تونه  
مناسب تر از یه روح  
باشه؟“

...بتس  
خونه است؟



می بینم که  
بهش فکر کردی...

بسیار خوب.



دعای من  
بدرقه راهت.

پس برو.  
تیم جاسوس هاتو  
جمع کن و ...

اوه.  
ثور...



چهار روز پیش  
جمعشون کردم.



و...  
یه چیز دیگه...



اگر چه ممکنه  
جاسوس  
باشیم...  
ولی وقتی  
با هم متحد  
باشیم...



...ما رو با عنوان  
**انتقام جویان**  
می شناسند.

ادامه دارد...

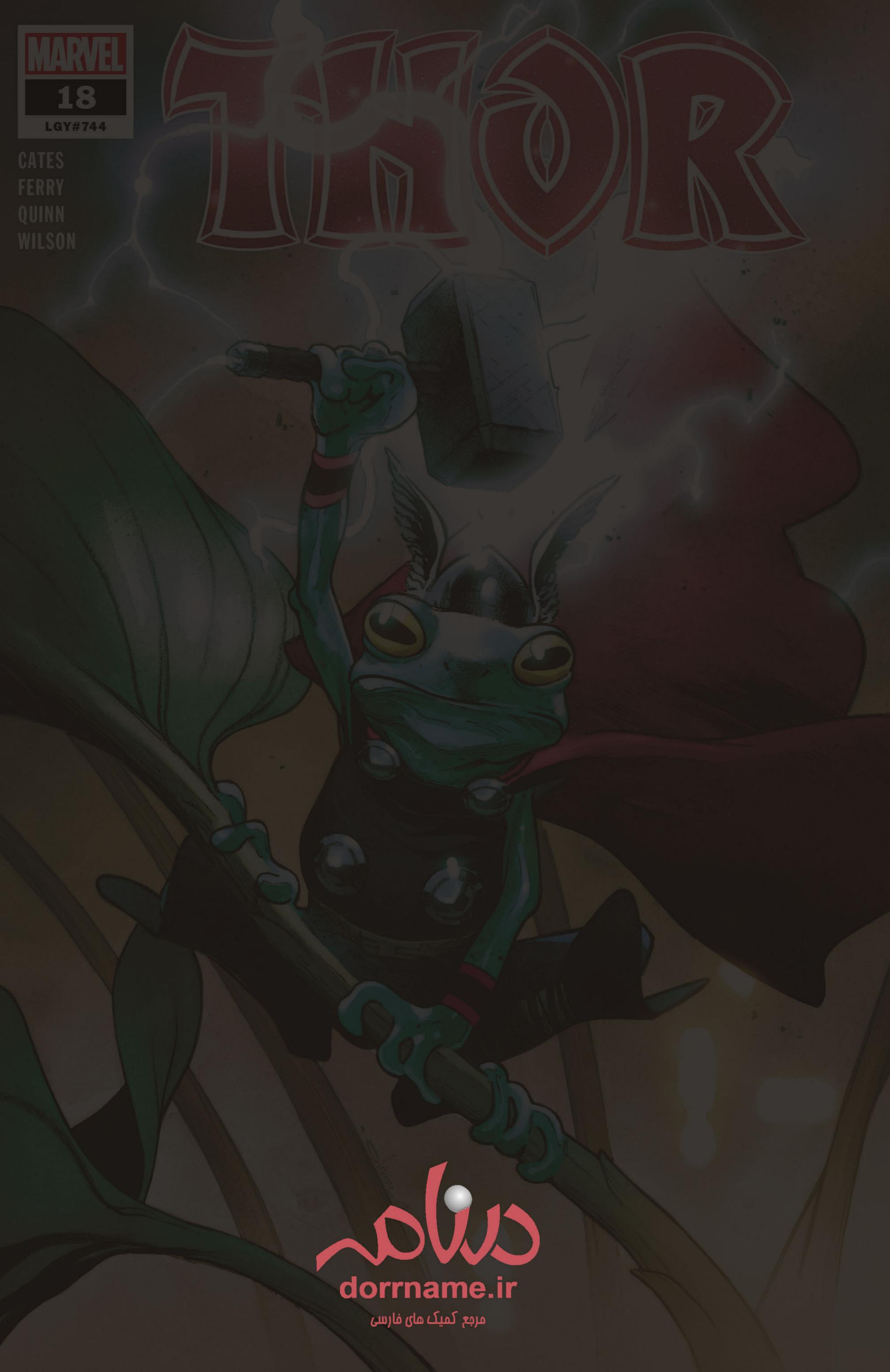
MARVEL

18

LGY#744

CATES  
FERRY  
QUINN  
WILSON

# TAMOR



دورنام

[dorname.ir](http://dorname.ir)

مرجع کمیک های فارسی